

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آلن گرش
برگردان: شروین احمدی
۱۴ می ۲۰۲۴

دستاورد فلسطین برای جهان



برگهانی از آخرین کتاب آلن گرش

حمله اسرائیل به غزه از ۷ اکتوبر، بیش از هر زمان دیگری معافیت کامل اسرائیل از مجازات و حمایت بی قید و شرط اکثر قدرت‌های غربی از تل ابیب را نشان می‌دهد. در فرانسه نیز این جنگ نقشی شتاب دهنده در پرگویی حول رویارویی تمدن با «بربریت» ایفا کرده است. آلن گرش در آخرین کتاب خود «فلسطین، خلقی که نمی‌خواهد بمیرد» به آن می‌پردازد. این کتاب پنجشنبه ۲ می منتشر شد.

مسلط شدن ترس بر افراد تبدیل به یک خطر می‌گردد، به همین دلیل است که نباید اجازه داد تبدیل به جنونی شود که بر احساس‌های دیگر غالب است. این حتی توجیه کننده اصلی انجام رفتاری است که اغلب «غیر انسانی» توصیف می‌شود. (... ترس از «بربر»ها چیزی است که می‌تواند ما را «بربر» کند. و صدماتی که ما تحت تأثیر آن خواهیم زد بیشتر از آنی خواهد بود که در ابتداء از آن وحشت داشتیم. (۱)

این جنگ به ما ثابت کرد که جهانیان ما را با دیگر انسانها برابر نمی‌دانند. شاید به خاطر رنگ پوست مان و شاید به این دلیل که ما در سمت اشتباه معادله سیاسی ایستاده ایم. حتی ارتباط نسبی مان با مسیح نیز از ما محافظت نکرده است. از اینرو براحتی گفته می‌شود: اگر برای از بین بردن یک «جنگجوی حماس» کشتن صد فلسطینی لازم است، چرا که نه. ریاکاری و نژادپرستی دنیای غرب آشکار و وحشتناک است. آنها هنوز به کلمه «فلسطینی‌ها» با شک و تردید نگاه می‌کنند.

این موعظه آتشین و در عین حال ناامیدانه که توسط عالیجناب مونتر اسحاق، کشیش کلیسای لوتری بیت لحم، به مناسبت تعطیلات نونل ۲۰۲۳ ایراد شده است، خطاب به کسانی است که «آن را جشن می‌گیرند و در همان حال بمب‌های خود را بر سر ما می‌اندازند.» این مانند یک نفرین به نظر می‌رسد. سه ماه بعد، ایالات متحده که سخاوتمندانه بمب‌ها و مهمات را برای پودر کردن غزه ارسال می‌کند، تصمیم گرفت برای قربانیان همین بمب‌ها و سلاح‌ها با چتر نجات غذا بفرستد. امری که مانند همیشه با مانترا (ذکر تکراری) رئیس جمهور امانوئل مکرون همراه شد. مانند کاریکاتوری که راکت‌ها و باگت‌هایی را نشان می‌دهد که بر روی این منطقه فرو می‌افتد، و رفتار تارتوفی* غرب را به تصویر می‌کشد.

غزه دو سوی چهره غرب را آشکار کرد، یک طرف مدافع صلح، حقوق بشر و جهان گرایی، و طرف دیگر حامی قتل عام، نسل‌کشی و نژادپرستی.

مونتر آیزاک این چنین موعظه‌اش را پایان داد: «روی سختم به دوستان اروپائی‌مان است، من دیگر هرگز نمی‌پذیرم که شما در مورد حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل به ما درس بدهید. ما سفید نیستیم، و فکر می‌کنم به همین دلیل قوانین شما شامل حال ما نمی‌شود. در سایه امپراتوری، شما استعمارگر را به قربانی و استعمار شده را به متجاوز تبدیل کرده‌اید.»

احتضار یک ایدۀ خاص از اروپا و غرب

سخنان انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی نیز بر همین منوال است، او در طی یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با صدراعظم آلمان در ۱۱ مارچ ۲۰۲۴، به سخنرانی آرامش طلبی اولاف شولز، که دولتش صریحاً از سیاست اسرائیل حمایت و همبستگی با فلسطین را جرم انگاری می‌کند، پاسخ داد:

شما نمی‌توانید با طرفداری یک جانبه و تمرکز بر یک واقعه خاص و فراموش کردن شصت سال جنایت، راه حلی پیدا کنید. راه حل فقط آزادی گروگان‌ها نیست. در مورد گسترش شهرک‌ها چی؟ در مورد خشونت شهرک نشینان که هر روز ادامه دارد چی؟ در مورد سلب مالکیت (فلسطینی‌ها)، از سرزمینشان، حقوقشان، کرامتشان، مردانشان، زنانشان، بچه‌هایشان، چی؟ اینها به ما مربوط نمی‌شود؟ انسانیت ما کجا رفته؟ چرا این همه ریاکاری؟

و البته رأی ممتنع و اشنگنن به رأی گیری ۲۵ مارچ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل نیست که وضعیت را تغییر می‌دهد، قطعنامه‌ای که خواستار آتش بس دو هفته‌ای شد. تا زمانی که امریکائی‌ها به ارسال بمب‌هایی به اسرائیل ادامه می‌دهند که غزه را ویران می‌کند، فاجعه ادامه خواهد داشت.

فراتر از درد و رنج بشری - که از ۷ اکتوبر بی حد و مرز بوده - فراتر از ویرانی، غزه تصویر منظره‌ای از ماه به خود گرفته است. فراتر از نبردهائی که در گستره‌ای از لبنان تا بحیره سرخ ادامه دارد، این نگرش خاصی از اروپا و غرب است که در حال احتضار می‌باشد. قبلاً، جنگ اوکراین شکاف بین شمال و بقیه جهان را نشان داده و باور به تعهد غرب در احترام به «قوانین بین‌الملل» از بین رفته بود، چرا که چون مورد کییف به صلاح بود از آن دفاع می‌شد. غزه نمایانگر مرحله شومی از این لغزش طولانی به سمت جهنم است که در آن تنها منطق قوی‌ترین‌ها حرف آخر را می‌زند. پیتر هارلینگ، مدیر Synaps، یک مرکز تحقیقاتی نوآورانه حول بحیره مدیترانه، مستقر در بیروت، که از تقریباً سی سال پیش تحولات منطقه را بررسی می‌کند، در مجموعه‌ای از یادداشت‌های نگران کننده که در فیروری ۲۰۲۴ بر روی شبکه X (توییتر سابق) منتشر شد، بیم خود را چنین ابراز می‌کند.

چرا گسست فزاینده خطرناک و عمیق ایجاد شده بین اروپا و جهان عرب از دیگر اختلافات دیرینه ما عمیق تر و خطرناک تر است؟ زیرا این یک اختلال کامل در ارتباط بین دو طرف است. در گذشته، هرچند روایت‌های ما اغلب در

تضاد بود، اما چارچوبی برای اشتراک گذاشتن آن وجود داشت. غزه موقعیتی را ایجاد کرده که در آن اختلافات نه تنها عمیق، بلکه غیرقابل اشتراک با طرف مقابل است. (...) این چرخه جدیدی نیست: این بار، اکثر کشورهای اروپایی گزینه حمایت آشکار یا غیرمستقیم از نسل کشی در بحیره مدیترانه را انتخاب کرده اند. (...) این ایده که اروپا نماینده ارزش‌ها و حقوق جهانی است از بین رفته.

«بربرها»ی داخلی

به عنوان ناظری که از پنجاه سال پیش تحولات منطقه‌ی را دنبال می‌کند که بسیار نزدیک به قاره کهن - از نظر جغرافیایی و همچنین انسانی - است و تاریخ طولانی آن را به ما، از جمله با جنبه‌های تاریکش، پیوند می‌دهد، فقط می‌توانم با تأسفی تلخ تأیید کنم که این گسست اتفاق افتاده است. آیا رهبران اروپایی حتی از این موضوع آگاه هستند؟ کسانی که تا تحریم کردن سازمان‌های غیردولتی جنوب که تجاوز اسرائیل را محکوم می‌کنند، پیش می‌روند. سازمان‌های غیردولتی که تحت رهبری «دوستان ما»، یعنی دموکرات‌های عرب هستند، کسانی که پیشرو انقلاب‌های سال ۲۰۱۰ بودند که از ارزش‌هایی که ما ادعای آن را داریم، دفاع می‌کنند. ارزش‌هایی که حمایت غرب از آنها اینک ظاهری انگاشته می‌شود؟ اروپا علیه یهودستیزی بسیج می‌شود، اما چشم خود را بر اسلام هراسی می‌بندد و پشت تزه‌های راست افراطی پنهان می‌شود که با حمایت از تل ابیب، چهره یهود هراسی تاریخی خود را بزک می‌کند. در همه جای، به ویژه در فرانسه، مبارزات علیه «بربرهای» داخلی تشدید می‌شود، مسلمانانی که متهم به «جدائی طلبی» و گویا همدستان تروریست‌ها هستند. اروپا به دور از آرمان‌های جهان‌شمولی که چهره خود را در حجاب آن می‌پوشاند، شکاف‌ها و دودستگی‌ها را تشدید می‌کند.

هیچ بحث جدی در فرانسه در مورد این شکاف فزاینده، نه در میان سیاستمداران، نه در میان روشنفکران و نه در رسانه‌ها در جریان نیست. از ۱۱ سپتامبر، ما خود را در یک دیدگاه وحشت زده از جهان حبس کرده ایم که مبتنی بر ترس از «بربرها»ست و همانطور که تزوتان تودوروف پیش بینی کرده بود، خودمان در حال تبدیل شدن به «بربر» هستیم. ما آینده را فقط در جنگ بین غرب و «بقیه جهان» متصور می‌شویم. «جنگ جهان‌ها با هم» به این نگرش متکبرانانه تکیه دارد که ما در آن نماینده «تمدن» هستیم و می‌توانیم قوانین بین المللی را در مبارزه علیه «شر» زیر پا بگذاریم.

من کتاب اسرائیل- فلسطین را در سال ۲۰۰۳ تمام کردم. حقایقی در مورد یک درگیری که برروایتی از کتاب مقدس تکیه دارد. داستان سامسون، یکی از قهرمانان مبارزه قوم یهود علیه فلسطینی‌ها. وی اسیر دشمنانی می‌شود که چشمانش را کور کردند و او را به غزه بردند. یک روز که فلسطینی‌ها او را برای جشن از زندان بیرون آورده بودند: سامسون به دو ستون اصلی که سقف معبد بر روی آنها قرار داشت، تکیه داد، بازوی راست را بر یکی و بازوی چپ را بر دیگری نهاد و گفت: «بگذار منم با فلسطینی‌ها بمیرم.» سپس با قدرت تمام فشار آورد و معبد را بر سر ستمگران و تمام مردمی که آنجا بودند فرو ریخت. تعداد کسانی که او با مرگ خود از بین برد بیشتر از تمام افرادی بود که در طول زندگی‌اش کشته بود.

در همان زمان از این می‌ترسیدم که ادامه این اشغال، فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را به ورطه نابودی مشترک بکشاند. وحشت من که غیرقابل تصور به نظر می‌رسید، اینک تأیید شده است...

سی سال بعد، سقوط معبد خطر غرق شدن همه ما را به همراه دارد، چه در جنوب و چه در شمال. همانطور که ما سعی کردیم نشان دهیم، این آینده روابط بین الملل است که در غزه با دو مسیر متفاوت در حال شکل‌گیری است. جنگی دائمی

بر اساس قانون جنگل، همه علیه همه، بین بازیگرانی که هر کدام از منافع خود دفاع می‌کنند و فقط به پیروزی خویش اهمیت می‌دهند، از مسکو تا واشنگتن، از دهلی نو تا برازیلیا، از پاریس تا مکزیکو. و یا همانگونه که تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) درباره غزه نماد آنست، نظم بین‌المللی بر اساس قوانینی که باید مجدداً پایه‌گذاری شود، مسیری سخت و ناهموار اما بی‌شک تنها راه اجتناب از آپوکالیپس (فرجام‌آخ‌زمانی مسیحیت).

در دورانی دیگر، جنرال دوگل در جون ۱۹۶۷ در مواجهه با تجاوزات اسرائیل و ژاک شیراک و دومینیک دو ویلین در سال ۲۰۰۳، زمانی که ایالات متحده در حال آماده‌شدن برای حمله به عراق بود، دانستند که چگونه کلمات مناسب برای دفاع از حقوق بین‌الملل را بیابند و پیامی متفاوت را از زبان پاریس بیان کنند. پیامی که پژواک آن در سراسر سیاره، در شمال و در جنوب، طنین‌انداز شد. مایه تأسف است که امروز فرانسه با بیانیه‌ها و سکوت‌هایش، با اقدامات و انفعال خود در نسل‌کشی شریک می‌باشد که هرروز در برابر چشمان ما در حال انجام است.

*تارتوف یا فریبکار: نام نمایشنامه‌ای از مولیر است. شخصیت تارتوف نماد شرارت تمام متعصب‌هاست. یک رذل اغواگر و حيله‌گر، فریبکاری مقاومت ناپذیر

۱- Tzvetan Todorov, La peur des barbares. Au-delà du choc des civilisations, Laffont, 2008.

برگرفته از: لوموند دیپلماتیک

منتشر شده در تاریخ: مه ۲۰۲۴